

بازنمایی مسلمانان در سینمای هالیوود (مطالعه موردی فیلم‌های تیکن ۱ و تیکن ۲)

علیرضا گلشنی^۱، محمدرضا قانلی^۲، سعید رضایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۱۴

چکیده

امروزه سینما به‌جز سرگرم‌کردن مردم، نقش اساسی در فرهنگ‌سازی و آموزش دارد و گاهی این کارکرد بر دیگر جنبه‌های کاربردی سینما برتری می‌یابد. سینمای هالیوود به‌عنوان قطب سینمای دنیا شناخته می‌شود و در پیشبرد اهداف فرهنگی غرب و اقناع افکار عمومی در مسائل مختلف از جمله مسائل سیاسی و مذهبی و اقتصادی و... نقش مهمی دارد. یکی از استفاده‌های غرب از سینمای هالیوود در پیشبرد اهداف اسلام‌هراسی بوده است. در این پژوهش فیلم‌ها با استفاده از روش کیفی تحلیل نشانه‌شناختی تجزیه و تحلیل شده است؛ نویسندگان کوشیده‌اند با بررسی تولیدات هالیوود، برخی از ویژگی‌های بازنمایی شده برای مسلمانان را بررسی کنند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که هالیوود چهره مسلمانان را چگونه توصیف می‌کند. هدف از این پژوهش شناخت رویکرد سینمای هالیوود و به‌تبع آن ایالات متحده آمریکا نسبت به اسلام و مسلمانان است. در یافته‌های تحقیق به این می‌رسیم که از جمله ویژگی‌های بازنمایی شده از مسلمانان در فیلم‌های هالیوود می‌توان به تروریست، وحشی و بی‌رحم، خشن، بی‌غیرت و بی‌اخلاق، بی‌منطق، نامرد، بی‌قانون، شهوت‌ران، جانی، کینه‌توز و انتقام‌جو و... اشاره کرد. البته برخی از ویژگی‌های خوب از جمله خانواده‌دوستی نیز درباره مسلمانان به کار برده شده است.

واژه‌های کلیدی: بازنمایی؛ مسلمانان؛ اسلام‌هراسی؛ نشانه‌شناسی؛ سینمای هالیوود

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول).

ago1shani@iaush.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران.

۳. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

در گذشته قوای نظامی مهم‌ترین و شاید تنها ابزار دست ابرقدرت‌ها برای اعمال برنامه‌ها و سیاست‌های آن‌ها از جمله سلطه و استثمار بود؛ ولی امروزه وضعیت تغییر کرده است و ابزارهای دیگری نیز در دست ابرقدرت‌هاست. قدرت‌ها امروزه تلاش دارند تا با در دست داشتن اقتصاد، فرهنگ، هنر و... به اهداف خود دست یابند؛ ابزار و امکانات حوزه فرهنگ و هنر و اقتصاد به‌عنوان شاخص مهمی در قدرت‌نمایی کشورهای مختلف به شمار می‌رود. این کشورها بیش از آن و پیش از آنکه بخواهد به‌صورت نظامی کشوری را تحت حمله و تحت فشار قرار دهد تا به اهداف مدنظر خود در آن کشور دست یابند، از ابزار فرهنگ و هنر و رسانه برای اعمال فشار استفاده می‌کنند.

مقابله با گسترش اسلام و ترویج اسلام‌هراسی در جهان یکی از راهبردهای اساسی سلطه‌گران به‌ویژه امریکاست. و از سال‌ها پیش پروژه‌های عظیمی در دستور کار امریکایی‌ها در این باره قرار گرفته است. آنان می‌کوشند تا علاوه بر ایجاد مانع در گسترش اسلام، چهره‌ای نامناسب و زشت از اسلام و مسلمانان جلوه دهند.

پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی باعث تغییر نگرش در شیوه‌های استعمارگری شد و استعمار فرانو را فراهم کرد. با فروپاشی شوروی، امریکا در تلاش بود تا در مناطق تحت نفوذ آن‌ها سلطه خود را اعمال کند. امریکا پس از حوادث یازدهم سپتامبر، ریشه اصلی مشکلات خود را در منطقه خاورمیانه و اسلام سیاسی یافت. جهان استکبار با ترویج سکولاریسم دنبال سیطره فرقه نوظهور افراطی و بنیادگرای پروتستانیزم مسیحی و صهیونیسم مسیحی بر کل جهان است. آن‌ها اعتقاد دارند تاریخ بشر در نبردی در آخرالزمان به نام آرماگدون به پایان می‌رسد که اوج آن ظهور دوباره مسیح است و باید شرایط پیش از ظهور را فراهم کنند. آن‌ها با اصطلاح قوم برگزیده اعتقاد دارند رسالت ایجاد حکومت خدا در زمین را بر عهده دارند. استعمار فرانو سلطه فرهنگی را بر سیطره نظامی ترجیح می‌دهد و به دنبال ترویج فرهنگ بیگانه از طریق جاذبه‌های تولید رسانه‌ای است (زارعی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۱۲-۲۰۵).

یکی از مهم‌ترین ابزار در دست امریکا برای اجرای برنامه‌های فرهنگی در جهان و اعمال قدرت فرهنگی، سینمای هالیوود است که همواره ابزار امریکایی‌ها در عرصه تهاجم فرهنگی و جنگ نرم بوده است و در مقاطع مختلف تاریخی می‌توان نقش سینمای هالیوود را مشاهده کرد. ابزار هنر به قدری تأثیرگذار است که گاهی گفته می‌شود تأثیر سینما و رسانه بسیار بیشتر از سیاست‌های سیاستمداران و یا قوای نظامی آن‌هاست و سلطه هم نگاه و توجهی خاص به این موضوع دارد.

تلفیق اسلام‌هراسی و استفاده از ابزار هنر را می‌توان در بازنمایی چهره مسلمانان در حوزه هنری و به‌ویژه در سینمای هالیوود مشاهده کرد؛ جایی که با ظرافت و استفاده از نشانه‌ها، چهره مسلمانان را در فیلم‌ها به گونه‌ای که خود می‌خواهند، بازنمایی و به مخاطبان معرفی می‌کنند. این نوع بازنمایی به قدری با ظرافت و دقت انجام می‌شود که مخاطب بدون اینکه متوجه سیاست‌های فیلم‌سازان شود، به خوبی پیام‌های مدنظر سیاست‌گذاران را باور می‌کند و از طریق نشانه‌هایی که داده می‌شود، موضوع را درک می‌کند.

۱-۱ اهداف و سؤال پژوهش

شناخت مسائل، چالش‌ها و مشکلات می‌تواند نقش بسیار مهمی در رفع آن‌ها داشته باشد و در این باره باید تلاش شود تا با انجام تحقیقات و پژوهش‌های متعدد زمینه شناسایی آسیب‌ها و چالش‌ها فراهم شود. در این پژوهش

تلاش شده است تا ویژگی‌های بازنمایی شده هالیوود شناسایی شود تا در طرح‌های تحقیقاتی آینده بتوان ضمن شناسایی میزان اثرگذاری این اقدامات هالیوود، راهکارهایی برای اصلاح و یا بهبود وضعیت چهره مسلمانان در افکار عمومی جهان پیشنهاد کرد و احیاناً اقدامات عملی و یا مقابله‌ای با این موضوع انجام شود.

در این تحقیق تلاش شده است تا ضمن نگاه به تحقیقات گذشته، برخی از فیلم‌هایی که طی سال‌های اخیر در هالیوود به نمایش گذاشته شده است، تحلیل شود و چهره بازنمایی شده برای مسلمانان شناسایی شود. سؤال اصلی ما این است که «هالیوود ویژگی‌های مسلمانان را چگونه بازنمایی می‌کند؟».

در این تحقیق فرض ما بر این است که هالیوود برای تحقق خواسته‌های امریکا، تلاش کرده است تا چهره‌ای غیرواقعی با صفاتی همچون تروریست، خشن، بدوی و... را برای مسلمانان بازنمایی کند و افکار عمومی جهان را برای دستیابی به اهدافش در کشورهای اسلامی با خود همراه کند.

۱-۲ پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات و پژوهش‌های متعددی در حوزه اسلام‌هراسی و نقش هالیوود در این زمینه و موضوعاتی در این حوزه انجام شده است که در ادامه به برخی از مطالعاتی اشاره می‌شود که در این زمینه هماهنگی بیشتری با این پژوهش دارند.

۱. «هالیوود و توطئه اسلام‌هراسی با شگرد نفوذ در ناخودآگاه» (۱۳۹۳) از سید حسین شرف‌الدین و سید مهدی گنجیانی، یکی از آثار مرتبط در این حوزه است که به بررسی ضربات هالیوود بر اعتبار و جایگاه قدسی دین اسلام و هویت مسلمانان اشاره داشته است. موضوع این نوشتار برجسته‌کردن خصومت بیش از صدساله امریکا با اسلام و مسلمانان، از طریق سینمای هالیوود با استفاده از شرطی‌سازی منفی اذهان مخاطبان جهانی و نفوذ تدریجی در ناخودآگاه آن‌هاست. این مهم با روش نشانه‌شناسی و تحلیل محتوای مجموعه‌ای از فیلم‌های شناخته شده و پرآوازه منتخب حوزه اسلام‌ستیزی صورت گرفته است.

۲. «تصویرسازی و کلیشه‌سازی هالیوود از مسلمانان (بازنمایی مسلمانان در سینمای هالیوود)» (۱۳۸۹) از عبدالله بیچرانلو یکی دیگر از تحقیقات انجام شده در این زمینه است که می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که اسلام و مسلمانان در فیلم‌های سینمایی هالیوود چگونه بازنمایی شده‌اند. در این تحقیق پنج فیلم هالیوود در سه دهه اخیر با روش کیفی تحلیل نشانه‌شناختی، تجزیه و تحلیل شده‌اند. در این بررسی، ضمن تبیین موضوع بازنمایی رسانه‌ای و شرق‌شناسی، به‌عنوان چارچوب نظری بحث، کلیشه‌ها و انگاره‌های هالیوود در تمرکز بر مسلمانان ترسیم شده است.

۳. «سیاست خارجی، هالیوود و جریان بازنمایی خاورمیانه پس از یازده سپتامبر» (۱۳۹۳) از سید عبدالعلی قوام و بشیر اسماعیلی یکی دیگر از تحقیقات در این حوزه است. این پژوهش به این نکته اشاره دارد که پس از وقوع حادثه یازده سپتامبر تاکنون، روندی مبنی بر بازنمایی رسانه جهان اسلام و برپایه اسلام‌هراسی شکل گرفته که هدف آن ایجاد و تثبیت کلیشه‌های فکری و طبیعی‌سازی نگرش منفی از خاورمیانه در اذهان عمومی جهانی است. این روند به‌عکس نمونه مشابه در دوران جنگ سرد با غفلت نسبی پژوهشی و نظریه‌پردازی روبه‌رو گشته و جریان انتقادی نظام‌مندی در میان روشنفکران و تحلیل‌گران شکل نگرفته است. در این تحقیق بیان شده است که تولیدات سیاسی هالیوود دست‌کم بیانگر تداوم روند پانزده‌ساله خود با محوریت اسلام‌هراسی و خاورمیانه است.

۴. ادوارد سعید استاد فقید دانشگاه کلمبیای امریکا در آثار خود گسترده‌ترین تلاش را برای تبیین شرق‌شناسی و اهداف و رویکردهای آن انجام داده است. هدف ادوارد سعید این بود که رویکرد یک‌جانبه بیان مردم‌شناختی را زیر سؤال برد؛ رویکردی که از قرن هجدهم میلادی در آثار مردم‌شناختی نخبگان متخصص در مطالعه شرق دیده شده است و ادوارد سعید آن را بیان مردم‌شناختی «خود سلطه‌گر» می‌نامد. از دیدگاه ادوارد سعید، آثار شرق‌شناسان استقلال نداشتند و تفسیرهای یک‌جانبه‌نگرانه آثار شرق‌شناسی، آن‌ها را به سلطه غرب معطوف می‌کند؛ در واقع شرق‌شناسی در خدمت استعمارگری بوده است (KILIAN, 2008: 14).

در این تحقیق تلاش شده است تا شش فیلم شامل فیلم‌های تیکن ۱ و تیکن ۲ بررسی شود و نشانه‌های معرفی مسلمانان و ویژگی‌های بازنمایی شده برای آن‌ها به تفکیک و ویژگی و فیلم ارائه شود. علاوه بر ویژگی‌های منفی بازنمایی شده، ویژگی‌های مثبت نیز بررسی شده است.

۳-۱ روش پژوهش

در این تحقیق با روش تحلیل گفتمان به بررسی و تحلیل محتوای فیلم‌ها پرداخته و ویژگی‌های بازنمایی شده از چهره مسلمانان به تفکیک و براساس نشانه‌ها، نشانه‌شناسی شده است. مفاهیم نظری با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و در تحلیل محتوای فیلم‌ها از این مفاهیم بهره‌گیری و نتیجه حاصل ارائه شده است. در انتها نیز جمع‌بندی از کل تحقیق در قالب یک جدول با عنوان ویژگی‌های بازنمایی شده از چهره مسلمانان در سینمای هالیوود ارائه شده است.

۲- چارچوب نظری و مفهومی

بازنمایی نه تقلیدی محض بلکه امکانی برای تفسیر شرایط صدق یک گزاره (گزاره‌های تصویری، ادبی یا موسیقایی) است. بازنمایی راهی برای هنرشدگی هر اثر هنری است (یوسفیان، ۱۳۸۵: ۶). افلاطون و ارسطو هر دو بر این عقیده هستند که هنر، واجد کیفیتی تقلیدی است. به عقیده شارل باتو نظریه‌پرداز قرن هجدهم فرانسه، امر واحد مشترک در همه هنرها یگانه اصل «تقلید شبیه‌سازانه» است (رامین، ۱۳۸۳). درباره بازنمایی، رویکردهای متفاوتی وجود دارد که شامل رویکرد این‌همانی بر مبنای شباهت، رویکرد این‌آزانی بر مبنای بیان و رویکرد این‌نه‌آنی بر مبنای مغایرت است (یوسفیان، ۱۳۸۵: ۶).

فردینان دو سوسور زبان‌شناس و نشانه‌شناس سوئیسی با تمرکز بر نظام مسلطی به نام زبان به‌مثابه ساختاری انتزاعی از نشانه‌ها و در موازات با جهان واقع الگوی دو وجهی «دال و مدلول» را بنا نهاد. نکته مهم در نشانه‌شناسی سوسور ماهیت مدلول یا تصور مفهومی هر نشانه است. سوسور هیچ نقش صریحی برای مصداق قائل نبود درحالی که همواره به بازنمود توجه ویژه داشته است (Saussure, 1974).

چارلز ساندرز پیرس به‌عنوان یکی از مؤسسان مکتب اصالت عمل (پراگماتیسم) و بنیان‌گذار نشانه‌شناسی، پیوستار (دال — مدلول) نشانه‌شناختی را با واردکردن وجه سوم به نام مصداق از جمود به در می‌آورد و پویایی تفاسیر انسانی را ممکن می‌کند. مؤلفه‌های نشانه‌شناسی پیرسی، برخلاف مؤلفه‌های سوسوری، برهم‌کنشی (تعاملی) است و نه جزمی. از نظر پیرس معنای بازنمود هیچ نیست مگر بازنمودی دیگر؛ یعنی هر تفسیری از آنجاکه نشانه

ذهن فرد را خطاب قرار می‌دهد، همواره به چرخه تفسیری دیگر می‌افتد و این کنش تفسیری بی‌انتها خوانش‌های متفاوت از نظام نشانه‌ای را ممکن می‌کند. باتوجه به الگوی سه‌گانه پیرس یعنی شمایل، نمایه و نماد می‌توان پی‌برد که دسته‌بندی مذکور نه کاملاً اما تا حدی منطبق بر منطق بازنمایی‌های مطرح‌شده درباره آثار هنری است. نشانه‌شناسی پیرس با وجود شناسی و معرفت‌شناسی وی ارتباط عمیقی دارد یا به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت نشانه‌شناسی و برداشت پیرس از نشانه، در نگرش وی درباره عالم تعیین‌کننده است. پیرس نشانه‌شناسی را نظریه شبه ضروری می‌داندست (Peirce 1931-1935 , Vol. 2: 227).

۳- بازنمایی

یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای انتقال مفاهیم به ذهن مخاطبان، بازنمایی چهره و شخصیت از طریق تصاویر و فیلم‌هاست که سینما در این باره وظیفه و رسالت مهم و برجسته‌ای را بر عهده دارد. به باور استوارت هال از تئوری‌پردازان مهم در مطالعات فرهنگی و مقوله بازنمایی، دو استراتژی مهم در بازنمایی عبارت است از کلیشه‌سازی و طبیعی‌سازی. کلیشه‌سازی فرایندی است که براساس آن جهان مادی و جهان ایده‌ها برای ایجاد معنا طبقه‌بندی می‌شود تا مفهومی از جهان شکل بگیرد که با باورهای ایدئولوژیک منطبق است و در پس‌پشت کلیشه‌ها قرار گرفته است. هال کلیشه‌سازی را کنشی معناسازانه می‌داند و معتقد است: اساساً برای درک چگونگی عمل بازنمایی، نیازمند بررسی عمیق کلیشه‌سازی‌ها هستیم (هال، ۱۹۹۷: ۲۵۷).

بازنمایی موضوعی پیچیده است؛ به‌ویژه زمانی که با تفاوت‌ها سروکار داشته باشیم، با احساسات، نگرش‌ها، عواطف، ترس و اضطراب در بیننده همراه است که در سطوح عمیق‌تری از آنچه ما به‌عنوان عرف عام می‌دانیم می‌تواند عمل کند (هال، ۱۹۹۷: ۲۲۵). تلاش برای تثبیت معنا در نتیجه عمل بازنمایی محقق می‌شود که سعی می‌شود پای معانی بالقوه متفاوتی به یک متن کشیده شود و به یکی از معانی ارجحیت داده شود (همان: ۲۲۸).

منظور از واژه «بازنمایی رسانه‌ای» عبارت است از ساختی که رسانه‌های جمعی از جنبه‌های مختلف واقعیت مثل افراد، مکان‌ها، اشیاء، اشخاص، هویت‌های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد ایجاد می‌کنند. تجلی بازنمایی‌ها ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد (دایر، ۲۰۰۵: ۱۸). هال استدلال می‌کند که واقعیت به‌شکل معنادار وجود ندارد و بازنمایی یکی از شیوه‌های کلیدی تولید معناست. معنا صریح یا شفاف نیست و از طریق بازنمایی در گذر زمان، یک‌دست باقی نمی‌ماند. بی‌تردید، جهان مستقل از بازنمایی که در آن صورت می‌گیرد وجود دارد؛ اما معنادار شدن جهان در گرو بازنمایی آن است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵).

۴- نشانه‌شناسی

بازنمایی تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. به این معنی که معنا با نشانه‌ها، به‌ویژه زبان تولید می‌شود. زبان سازنده معنا برای اشیای مادی و رویه‌های اجتماعی است و صرفاً واسطه‌ای خنثی و بی‌طرف برای صورت‌بندی معانی و معرفت درباره جهان نیست (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵).

در تحلیل نشانه‌شناسی به این موضوع توجه می‌شود که در یک متن رسانه‌ای مانند فیلم‌های سینمایی چگونه

معانی تولیدی می‌شوند (والکر و چاپلین، ۱۳۸۵: ۲۱۹). از دیدگاه سوسور، زبان دستگاهی از نشانه‌هاست که بیان‌کننده افکار است و از این رو با خط، الفبای کر و لال‌ها، آیین‌های نمادین، شیوه‌های ادای ادب و احترام، علائم نظامی و غیره سنجش‌پذیر است (Saussure, 1974).

الگوی پیرس از نشانه شامل موضوع یا مصداق است که چنین چیزی مستقیماً در الگوی سوسور وجود ندارد. در نظر پیرس یک نشانه، خطاب به کسی است؛ یعنی در ذهن آن فرد نشانه‌ای معادل یا شاید یک نشانه بسط‌یافته به وجود می‌آورد که ما آن را تفسیر نشانه می‌نامیم (Peirce, 1935: 227). پیرس استدلال می‌کند که مفسران خود باید به نشانه‌ها معنا بخشند. به نظر او، نشانه چیزی است که به چشم کسی، از بعد خاصی، یا دامنه معینی به جای چیز دیگری می‌نشیند. این با نظر سوسور درباره کارکرد نشانه مغایر بود. پیرس معنا شناسی را مهم می‌داند. آن‌گونه که او تعبیر می‌کرد این جهان سرشار از نشانه‌هاست؛ هرچند منحصرراً از آن‌ها تشکیل نشده باشد. «هرچه را انجام می‌دهیم، می‌توان پیامی، یا به قول پیرس نشانه‌ای تلقی کرد» (آسابرگر، ۱۳۸۵).

معنای صریح نخستین معنی نیست، بلکه وانمود می‌کند که چنین است. براساس این وهم، معنای صریح در واقع چیزی بیش از آخرین معنای ضمنی نیست (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

۵- نظام نشانه‌شناسی

هدف تحلیل نشانه‌شناسانه، یافتن نشانه‌ها و دریافت پیام هر متن براساس آن‌هاست. از نظر سوسور، معنا حاصل تمایز میان نشانه‌هاست که این تمایزها خود بر دو نوع روابط هم‌نشینی و روابط جانشینی است. رمزگشایی در واقع دستیابی به معانی ضمنی است. هر متن دارای معانی آشکار و معانی ضمنی است که معنای آشکار همان معنایی است که در وهله اول از کلمه، تصویر، صدا و... به ذهن متبادر می‌شود و معنای ضمنی آن معنایی است که ورای معنای ظاهری وجود دارد و بیشتر به ارزش‌های نهفته یک امر بازمی‌گردد. شش نظام نشانه‌شناسی وجود دارد که شامل نظام نشانه‌شناسی تصویری، نظام نشانه‌شناسی حرکتی، نظام نشانه‌شناسی زبان شناختی گفتاری، نظام نشانه‌شناختی نوشتاری، نشانه‌های آوایی غیرزبانی و نظام نشانه‌های موسیقایی است (قائدی، ۱۳۹۲).

۶- سینمای هالیوود

هالیوود نامی آشنا در سراسر جهان است؛ شرکت بزرگ سینمایی امریکا است که سالانه تولیدات بسیاری دارد. واژه «هالیوود» اغلب به عنوان کنایه‌ای برای «صنعت سینما و تلویزیون امریکایی» به کار برده می‌شود. هالیوود به جز در میزان تولید سالانه فیلم که پس از سینمای هند در رتبه دوم قرار دارد در تمامی زمینه‌ها جایگاه نخست را به خود اختصاص داده است (لی، ۱۳۹۰: ۷۴-۷۵).

سینمای هالیوود در خدمت سیاست‌های امریکا بوده است و برای گفتمان‌سازی، فرهنگ‌سازی، تهاجم فرهنگی، نفوذ فرهنگی، ایجاد فشار و یا کاهش فشار بر افکار عمومی، برجسته‌سازی، سکوت و... راهکارهای بسیار زیادی دارد.

۶-۱ هالیوود و تسخیر اذهان

یکی از اقدامات سینمای هالیوود تسخیر اذهان و وادار کردن افکار به اندیشیدن درباره چیزهایی است که می‌خواهند؛ هالیوود راه نفوذ به ذهن‌ها را می‌داند و از این طریق می‌کوشد تا ذهن‌ها را آماده مسائلی کند که ابرقدرت‌ها و مالکان آن می‌خواهند. رسانه و به‌ویژه رسانه‌های تصویری همچون سینما و تلویزیون این قدرت را دارند که ضمن آشکار و مرئی کردن انواع خاصی از باورها و شکل‌دادن به رفتارها، اشکال خاص دانش را در دوگانه «صدق» و «کذب» دسته‌بندی کنند (جعفری‌نژاد و قائدی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

هالیوود ذهن افراد را برای برخی از اتفاقات آماده می‌کند و زمینه‌سازی لازم را در این حوزه انجام می‌دهد. در حوادث یازدهم سپتامبر، تصاویر مجازی هالیوود ذهن‌ها را برای این اتفاقات آماده کرده بود (مؤذنی، ۱۳۸۶: ۳۴۰-۳۴۲).

برخی معتقدند سینمای هالیوود به واسطه تمایزش به حمایت از نهادها و ارزش‌های امریکایی مسلط، مطلقاً یک پدیده سیاسی است و کارکردهای آشکار سیاسی‌تر سینمای هالیوود عموماً در هنگامه بحران‌های اجتماعی خودنمایی می‌کند (هیل و گیسون، ۱۳۸۱: ۳۷۳).

برژینسکی سیاستمدار لهستانی امریکایی و از مشاوران برجسته امنیت ملی امریکا معتقد است عینی‌ترین و بیشترین تأثیر جهانی فرهنگ فراگیر امریکا با فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی منتقل می‌شود و هالیوود نماد جهان صنعتی شده است و حتی در طول تاریخ قرن بیستم به مهم‌ترین منبع سرگرمی و نفوذ و فرهنگی تبدیل شده است (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۲۳۵).

گاردز و مداوی معتقدند مهم‌ترین ابزار قدرت نرم امریکا صنعت غول‌پیکر رسانه‌ای این کشور و هالیوود است (گاردز و مداوی، ۲۰۰۹).

بعد از جنگ سرد، اسلام و ایران به موضوع امنیتی در امریکا تبدیل شد و برای مقابله با آن‌ها یکی از مهم‌ترین راهبردهای ایالات متحده به‌کارگیری استراتژی‌های فرهنگی و رسانه‌ای بوده است؛ از این رو شاهد موج اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در رسانه‌های این کشور بوده‌ایم. این استراتژی در هالیوود با بازنمایی مسلمانان در قالب گفتمانی که ویژگی‌های محافظه‌کارانه و سنتی از اسلام را بیان می‌کرد، پیگیری شده است (سردار و دیویس، ۲۰۱۰: ۲۴۱-۲۴۲).

۶-۲ نشانه‌شناسی در هالیوود

در نظام رسانه‌ای غرب، به‌ویژه سینمای هالیوود، همواره این پیام کلی به ذهن و ضمیر ناخودآگاه مخاطبان جهانی القا می‌شود که سرچشمه تمام اعمال خشن، غیرانسانی، تروریستی و اخلال در نظم جهانی و به‌طورکلی، هر رویداد غیرمنتظره‌ای که در جهان اتفاق می‌افتد، مسلمانان هستند (شرف‌الدین، ۱۳۹۳). هالیوود سعی دارد با گره‌زدن یک آموزه، شخصیت، ارزش، هنجار یا آرمان اسلامی با رفتارهای خشن، غیرانسانی، توجیه‌ناپذیر و نفرت‌زا، موجبات تداعی این دو و آثار متعاقب و قهری آن را در ذهن و نفس مخاطب فراهم آورد تا او هر بار با دیدن و یا شنیدن یکی، به‌صورت ناخودآگاه، به دیگری انتقال یابد و ذهن و روانش درگیر شود.

غرب عمدتاً با محوریت رسانه، در تصویرسازی قالبی و ناقص خود، مسلمانان را بدون استثنا در زمره «تروریست‌های بالقوه» یا «بنیادگرایان» معرفی می‌کند. این تصور بی‌معنا و کاملاً ظالمانه از رسانه‌های جهان گستر غرب، علاوه بر کشورهای غربی در سراسر جهان نیز منعکس می‌شود (شرف‌الدین، ۱۳۹۳: ۱۰۷-۱۲۰).

۷- اسلام‌هراسی

آمار و پژوهش‌های صورت‌گرفته در نخستین سال‌های پس از وقوع یازدهم سپتامبر، بیانگر شکل‌دهی به ذهنیت خام امریکاییان نسبت به مردم خاورمیانه است. در گزارش شورای روابط اسلام و آمریکا در سال ۲۰۰۶ به‌عنوان نمونه، به اطلاع بسیار ناچیز و منفی امریکایی‌ها از جهان اسلام اشاره می‌کند. براساس این گزارش تنها دو درصد از امریکایی‌ها اطلاع کامل از اسلام دارند و ۲۵ درصد از امریکایی‌ها معتقدند اسلام دین خشونت و تنفر است (سی. ای. آی. آر، ۲۰۰۶: ۳).

اقدامات رسانه‌های غربی در فضا سازی منفی، با هدف مخدوش کردن چهره اسلام و مسلمانان، پدیده‌ای نو و بی‌سابقه نیست. سابقه تاریخی این ماجرا به ابتدای رسالت پیامبر اکرم (ص) و متعاقب نفوذ اسلام به مناطق تحت سلطه مسیحیت و یهود برمی‌گردد. در جریان جنگ‌های صلیبی، ورود استعمار کهن به سرزمین‌های اسلامی و ظهور پدیده شرق‌شناسی، نهضت‌های جهادی برای بیرون‌راندن استعمار کهن از این سرزمین‌ها و ورود استعمار نو این رویارویی در قالب‌ها و به اشکال دیگری تجدید شد (شرف‌الدین، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

هدف‌های تهاجم هالیوود در سال‌های گذشته تغییر کرده است. تروریست‌های روسی زمان گفتمان جنگ سرد جایشان را به تروریست‌های مسلمان و عرب بنیادگرا در آغاز هزاره سوم داده‌اند (مؤذنی، ۳۴۳-۳۴۵). با وقوع یازدهم سپتامبر به مدت یک دهه توجه رسانه‌ای آمریکا ابتدا به القاعده و سپس به اسلام و فعالیت‌های مسلمانان معطوف شد. چنانکه خبرهای مربوط به مسلمانان در فاصله زمانی چند سال بعد از سال ۲۰۰۱ به شکل محسوسی با مقوله جنگ علیه ترور پیوند داشته‌اند (Poole & Richardson, 2006: 1).

۸- بررسی فیلم‌ها

در این تحقیق فیلم‌های تیکن ۱ و تیکن ۲ را بررسی می‌کنیم و ویژگی‌هایی بازنمایی شده را برای مسلمانان در این فیلم‌ها براساس نشانه‌های ارائه شده شناسایی و مطرح می‌کنیم. در این پژوهش، صحنه‌هایی بررسی می‌شود که به معرفی افراد به‌عنوان مسلمان انجامیده است و نشانه‌هایی که از مسلمانان ارائه شده است؛ سپس ویژگی‌هایی که این افراد دارند و به مسلمانان نسبت داده می‌شود، تشریح خواهد شد.

۸-۱ بازنمایی مسلمانان در فیلم تیکن ۱

ربوده شده (تیکن ۱) یکی از فیلم‌های هالیوودی در ژانر اکشن و هیجان‌آور با بازیگری لیام نیسون، فامکه یانسن و مگی گریس است که این فیلم را پیر مورل کارگردانی کرده و فیلم‌نامه آن را لوک بسون نوشته است.

در این فیلم یک افسر امنیتی آمریکا با نام برایان میلز که اخیراً بازنشسته شده است، با یک تیم مربوط به حفاظت از یک خواننده زن همکاری خود را شروع می‌کند. دختر هفده ساله برایان میلز همراه با دوستش به پاریس می‌رود و در آنجا اسیر یک باند مافیایی آلبانیایی خطرناک می‌شوند. این باند که اعضای آن از تروپویه آلبانی به پاریس آمده‌اند، در زمینه قاچاق انسان فعالیت دارند و زنان جوان را شناسایی و می‌ربایند؛ سپس آن‌ها را معتاد می‌کنند و تحت تسلط خود درمی‌آورند و در نهایت آن‌ها را می‌فروشند. برایان میلز که به‌عنوان قهرمان این فیلم شناخته می‌شود، راهی

پاریس می شود و ابتدا نشانه‌هایی از این باند پیدا می کند تا اینکه خود را به حلقه اصلی باند می رساند. در این مسیر افراد زیادی را یا می کشد و یا از سر راه خود برمی دارد. این باند بی رحم تعداد زیادی از دختران را به سمت روسپی گری هدایت می کنند و آن‌ها را تحت نظر دارند و از آنان کسب درآمد می کنند؛ برخی از آن‌ها را به فحشاخانه‌ها می فرستند و تعدادی را نیز به حراج می گذارند.

دختر برایان میلز تو سطر این باند به حراج گذاشته می شود و برایان میلز در این حراجی در کنار نماینده یکی از میلیونرهای عرب قرار می گیرد و با تهدید اسلحه از او می خواهد که به هر قیمتی که شده است، دخترش را بخرد. پس از اینکه مرد عرب دخترش را می خرد، به محلی می رود که دخترش را برده اند. دختر او را به قایق بزرگ تفریحی می برند تا در اختیار یک میلیونر عرب قرار گیرد. برایان میلز وارد قایق می شود و همه افراد حاضر در قایق را از بین می برد و بالاخره دخترش را نجات می دهد.

در این فیلم، مسلمانان در دو قالب مختلف معرفی شده‌اند؛ (۱) گروه مافیایی آدم‌ربایی آلبانیایی که جنایت‌های بسیاری را مرتکب می شوند؛ (۲) مرد میلیونر عرب و تیمش که برای شهوت‌رانی دختران غربی را می خرند.

در یکی از صحنه‌های این فیلم دختر برایان میلز در حال مکالمه با پدرش است و در همین هنگام چند مرد وارد محل سکونت آن‌ها می شوند و دوستش که او هم دختری هفده ساله است را می گیرند و با خود می برند. کیم (رایان میلز) به دخترش می گوید زیر تخت پنهان شود و می داند که تا چند ثانیه دیگر دخترش را نیز خواهند گرفت و از او می خواهد که تلفن را نگه دارد تا هم صدای آدم‌رباها را بشنود و هم زمانی که او را می گیرند، نشانه‌های ظاهری آن‌ها را بگوید؛ دخترش هم این کار را می کند. میلز این مکالمه را ضبط می کند و برای همکاری در سازمان امنیت می فرستد تا از صداها و نشانه‌ها اعضا این باند را شناسایی کنند.

در یک مکالمه تلفنی که بین میلز و دوستش سام انجام می شود، سام که در سازمان امنیت کار می کند، اطلاعاتی را که از صداها و نشانه‌ها به دست آورده است به میلز اعلام می کند.

سام می گوید: این افراد صربی حرف می زنند و از لهجه و تلفظ آن‌ها پیدا است که اهل تروپیا هستند. آنجا جای آدم‌های عوضی و کثیف است که حتی روس‌ها هم جلوی آن‌ها تسلیم می شوند. مارکو رئیس باند مافیاست که از شش ماه پیش به پاریس رفته است؛ خیلی کله‌گنده است و یک خال‌کوبی ماه و ستاره روی دست راست اعضای این باند است که نشانه گروه آن‌هاست. تخصص گروهی که از آن منطقه می آیند، قاچاق و خرید و فروش زن‌هاست. ابتدا زن‌های اروپای شرقی را با پیشنهاد کار به عنوان خدمتکار یا پرستار از کشورهایمانند رومانی، بلغارستان، یوگسلاوی و... قاچاق و آن‌ها را معتاد می کردند و می فروختند؛ ولی اکنون دزدیدن زنان مسافر برای آن‌ها به صرفه‌تر است و هزینه حمل و نقل و جابه‌جایی ندارند. بعد از دزدیده شدن هر نفر ۹۶ ساعت فرصت وجود دارد تا اینکه هرگز آن‌ها را پیدا نکنید.

در این فیلم برای اینکه آدم‌رباها را به مسلمانان ربط دهند، اعضای یک باند خطرناک آدم‌ربا را که به راحتی آدم می کشند و در زمینه خرید و فروش و قاچاق زنان فعالیت دارند، اهل تروپویه آلبانی معرفی می کنند. تروپویه یک استان در شمال آلبانی و در همسایگی کوزوو و مونته‌نگرو است که اغلب اهالی این استان را مسلمانان تشکیل می دهند. در مجموع هفتاد درصد از جمعیت آلبانی را مسلمانان تشکیل می دهند که تروپویه یکی از نقاط مسلمان‌نشین آلبانی است. هدف از معرفی آدم‌رباها در این فیلم به عنوان اهالی تروپویه آلبانی این است که بگویند اعضای این باند از

مسلمانانی هستند که در پاریس به فعالیت ضدانسانی مشغول هستند.

در بخش دیگری از این فیلم و هنگامی که برایان میلز به مقر اصلی اعضای این باند می‌رود، اعضای این گروه دور یک میز نشسته‌اند و همگی دارای ریش هستند؛ ریش بعضی بلند و برخی نیز کمی کوتاه‌تر است. این هم یکی دیگر از نشانه‌هایی است که سازندگان فیلم برای مسلمان جلوه‌دادن اعضای این باند از آن استفاده کرده‌اند.

در بخش دیگری از این فیلم، حلقه نهایی فعالیت‌های باند مافیایی آلبانیایی را می‌بینیم که مربوط به فروش زنان است. در این بخش یک حراجی نشان داده می‌شود که تعدادی از مردان نشسته‌اند و برای دخترانی که به نمایش گذاشته می‌شوند، قیمتی ارائه می‌کنند و یک یا تعدادی را می‌خرند.

در این صحنه برایان میلز وارد اتاق حراجی می‌شود و در کنار خریداران قرار می‌گیرد. چهره یکی از خریداران در این فیلم نشان داده می‌شود که جوانی دارای ریش است. در بخشی از این سکانس، به صورت تلفنی با شخص دیگری با زبان عربی صحبت می‌کند و وضعیت خرید را به او گزارش می‌کند. این مرد جوان بعد از خرید دختر برایان میلز او را با خود به قایق تفریحی متعلق به پیرمرد میلیونر عرب می‌برد و در اختیار او قرار می‌دهد.

در این بخش نیز تلاش شده است برای مسلمان جلوه‌دادن حلقه آخر این فعالیت‌های تبه‌کارانه و غیرانسانی، مسلمانان به‌عنوان خریداران دختران ربوده شده معرفی شوند. نشانه‌هایی همچون ریش و عربی صحبت کردن در این صحنه‌ها نشانه‌ای از مسلمان بودن آن‌هاست. آدم‌ربایی از ویژگی‌هایی بازنمایی شده برای مسلمانان در این فیلم است؛ یک گروه حرفه‌ای و سازمان‌یافته که در زمینه آدم‌ربایی فعالیت دارند. در اولین صحنه‌ای که نشان داده می‌شوند ابتدا دو دختر جوان را می‌دزدند و در ادامه فیلم مشخص می‌شود که تعداد بسیار زیادی از زنان را ربوده و در اختیار خود قرار داده‌اند.

بی‌رحمی و وحشی‌گری: یکی دیگر از ویژگی‌هایی این افراد بی‌رحمی است؛ در زمینه ربودن و سوءاستفاده از زنان هیچ رحمی ندارند. با استفاده از زور زنان را می‌دزدند؛ آن‌ها را با تزریق مواد مخدر معتاد می‌کنند؛ آن‌ها را پس از تحت سلطه قراردادن، در سطح شهر برای روسپیگری در معرض عموم قرار می‌دهند؛ تعدادی را به فحشاخانه می‌برند و از این طریق درآمد کسب می‌کنند و تعدادی را نیز به فروش می‌رسانند که بیانگر خوی غیرانسانی، وحشی‌گری و بی‌رحمی آن‌هاست.

زورگیری: اعضای این باند علاوه بر اینکه دختران را اجاره می‌دهند، با طعمه قراردادن برخی از آن‌ها، از افراد رهگذر زورگیری نیز می‌کنند. در یکی از صحنه‌ها برایان میلز اسیر یکی از زورگیران این گروه می‌شود و صد یورو به او باج می‌دهد تا رها شود.

قاچاق انسان: همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، این گروه آلبانیایی دارای تبحر و توان بالایی در ربودن و قاچاق انسان و به‌ویژه زنان هستند. پس از ربودن و تسلط بر زنان، آن‌ها را در حراجی به فروش می‌رسانند.

آدم‌کشی: یکی دیگر از اعمال و رفتار مسلمانان این فیلم، آدم‌کشی است و هرکسی را که بر سر راه آن‌ها قرار می‌گیرد، می‌کشند تا به اهداف خود برسند. همه اعضای باند مسلح هستند و در مقابل هر مزاحمی از اسلحه خود استفاده می‌کنند.

شهوت‌رانی: حلقه نهایی قاچاق انسان در این فیلم مرد عرب مسلمانی است که دختران جوان را با قیمت بالایی می‌خرد که یکی از این دختران تنها هفده سال سن دارد. در یکی از صحنه‌ها هم‌زمان سه دختر جوان و نوجوان را

برای هم‌خوابگی با این پیرمرد به اتاقش می‌برند. در مجموع در فیلم تیکن یک چهره‌ای نامناسب و زشت از مسلمان ارائه شده است و افراد جانی، شهوت‌پرست، قاچاقچی، زورگیر، آدم‌ربا، آدمکش و... به‌عنوان مسلمان معرفی شده‌اند تا از این طریق پروژه اسلام‌هراسی را به پیش ببرند. در این فیلم ویژگی مثبتی برای مسلمانان بازنمایی نشده است. در جدول شماره یک شیوه معرفی افراد به‌عنوان یک فرد مسلمان در قالب نشانه‌شناختی ارائه می‌شود.

فرد یا افراد	نشانه معرفی	تفسیر
گروه تبهکار	معرفی به عنوان اهالی تروپویه	✓ تروپویه یک استان در شمال آلبانی و در همسایگی کوزوو و مونته‌نگرو است که اغلب اهالی این استان را مسلمانان تشکیل می‌دهند.
جوان خریدار	داشتن ریش و صحبت	✓ ریش یکی از نشانه‌های معرفی مسلمانان است.
دختران	به زبان عربی	✓ هالیوود تفاوتی بین اعراب و مسلمانان قائل نیست.
پیرمرد هوس‌باز	صحبت به زبان عربی	✓ هالیوود تفاوتی بین اعراب و مسلمانان قائل نیست.

جدول شماره ۱

۸-۲ بازنمایی مسلمانان در فیلم تیکن ۲

تیکن ۲ عنوان فیلم دیگری از ساخته‌های هالیوودی است که کمپانی فاکس آن را ساخته است و در واقع ادامه رُبوده‌شده یک است. در این فیلم تقریباً همان عوامل رُبوده‌شده یک به کار گرفته شده‌اند و موضوع فیلم نیز در ادامه همان موضوع قبلی است. در این فیلم باز هم تلاش شده است تا چهره مسلمانان به‌گونه‌ای بازنمایی شود که غرب می‌خواهد اسلام را آن‌گونه معرفی کند.

در صحنه‌های ابتدایی فیلم رُبوده‌شده دو، تعدادی از مسلمانان مراسم خاک‌سپاری کشته‌شدگان در فیلم رُبوده‌شده یک را برگزار می‌کنند. این بخش از فیلم منطقه تروپویه آلبانی یعنی محل زندگی کشته‌شدگان را به تصویر می‌کشد. هفت قبر وجود دارد و جنازه‌ها را به‌سبک مسلمانان خاک‌سپاری می‌کنند و قرآن و دعا می‌خوانند.

پدر یکی از کشته‌شدگان در پایان خاک‌سپاری می‌گوید که ما از خون فرزندانمان نمی‌گذریم و انتقام آن‌ها را خواهیم گرفت. او این کار را عدالت می‌خواند و اعتقاد دارد با این انتقام روح فرزندانشان در آرامش خواهد بود. با هم عهد می‌بندند که قاتل فرزندانشان را که برایان میلز است به تروپویه بیاورند و تا زمانی که خون او را نریخته‌اند بی‌خیال نشوند.

برایان برای محافظت از یک میلیونر عرب به ترکیه رفته است و در قبال این کار پول خوبی هم می‌گیرد. دختر و زن سابقش را به استانبول دعوت می‌کند تا در کنار هم تعطیلات را بگذرانند. گروه آلبانیایی رد او را می‌گیرند؛ محل او در ترکیه را رصد می‌کنند و قصد دارند که او و خانواده‌اش را زنده دستگیر کنند و انتقام فرزندانشان را از او بگیرند.

در بخشی از فیلم درحالی‌که گروه خشن و تروریستی آلبانیایی وارد استانبول می‌شوند، صدای اذان از بالای مسجد این شهر پخش می‌شود و هم‌زمان با تحرکات این گروه تروریستی صدایی رعب‌آور در کنار اذان پخش می‌شود.

برایان میلز که از افسران سابق امنیتی امریکا بوده است، متوجه حضور تروریست‌ها می‌شود و می‌خواهد خود و خانواده‌اش را نجات دهد. صدای گاز خودروها، آدم‌ربایی و خشونت با صدای اذان همراه است. زن برایان را گروگان می‌گیرند و برایان هم تسلیم می‌شود.

پدر مارکو (جوانی که رئیس باند قاچاق زنان در فیلم تیکن یک بود و برایان او را کشت) برایان را دستگیر و او را محاکمه می‌کند. برایان توضیح می‌دهد که مارکو و همدستانش دختران را می‌دزدیدند و زندگی آن‌ها را نابود می‌کردند؛ ولی پدر مارکو این حرف‌ها را نمی‌فهمد و فقط به انتقام فکر می‌کند و برایان را مسئول اعمال مارکو می‌داند و به او می‌گوید مرگ زودگذری نخواهی داشت. پدر مارکو می‌گوید که قصد دارد دختر برایان را بگیرد و به ارزان‌ترین فاحشه‌خانه بفروشد تا مردان بسیاری از او استفاده کنند.

برایان در اعمالی اغراق‌آمیز در این فیلم موفق به فرار می‌شود و می‌تواند دخترش را نجات دهد و برای نجات زن سابقش وارد عمل می‌شود. باز هم صدای اذان هم‌زمان با اعمال گروه خشن پخش می‌شود. برایان وارد می‌شود و همه را می‌کشد تا به پدر مارکو می‌رسد.

به پدر مارکو می‌گوید که آیا فرزندی داری؟ اگر تو را بکشم، آن‌ها باز هم برای انتقام می‌آیند و پدر مارکو می‌گوید: بله. برایان اسلحه‌اش را زمین می‌گذارد و پدر مارکو را نمی‌کشد و می‌گوید تو هم باید با مرگ مارکو کنار بیایی؛ مانند خانواده دختران ربوده‌شده. پس از اینکه می‌خواهد پدر مارکو را ترک کند، این پیرمرد اسلحه را برمی‌دارد که برایان را بکشد؛ ولی اسلحه خالی است و تیری از آن خارج نمی‌شود. برایان برمی‌گردد و پیرمرد را هم می‌کشد و زنش را نجات می‌دهد.

هرچند در تیکن یک به‌طور واضح اعلام نشده بود که اقدامات صورت‌گرفته از سوی مسلمانان است، ولی در فیلم تیکن دو در ابتدای فیلم چهره مسلمانان با خواندن قرآن و دعا به مخاطب شناسانده می‌شود.

پیرمردی مسلمان مسئول یک قوم است که تلاش دارند انتقام فرزندان خود را از قاتل آن‌ها بگیرند؛ بی‌توجه به اینکه فرزندان خودشان مقصر اصلی بوده‌اند و در مسیری غیرانسانی کشته شده‌اند.

کینه‌توزی و انتقام‌جویی از اولین ویژگی‌هایی است که از ابتدای این فیلم به‌عنوان یک شاخصه مسلمانان معرفی می‌شود؛ حتی در پایان فیلم هم باز اعلام می‌شود که مسلمانان انتقام این شکست را خواهند گرفت.

در این فیلم مسلمانان به برنامه‌ریزی برای یک حرکت تروریستی و قتل برایان میلز اقدام می‌کنند و به‌صورت گروهی وارد عمل می‌شوند تا میلز و خانواده‌اش را به قتل برسانند.

در ادامه این فیلم خوی وحشی‌گری مسلمانان با پخش اذان هنگام تحرکات این افراد به مخاطب القا می‌شود و اینکه در آدمکشی هیچ پروایی ندارند. برای رسیدن به هدف خود هرکسی را از سر راه برمی‌دارند. در مقابل برایان و دخترش همه تلاش خود را می‌کنند که فردی بی‌گناه کشته نشود و نارنجک را جایی می‌اندازند که کسی نیست و مسائلی از این دست.

در اواخر این فیلم و در صحنه‌ای که برایان پدر مارکو را می‌بخشد، او با نامردی به سمت برایان اسلحه می‌کشد؛ ولی اسلحه خالی است و با این کار جان خود را هم از دست می‌دهد.

خشونت از دیگر ویژگی‌های مسلمانان در این صحنه‌هاست. اینکه می‌خواهند برای کشتن یک نفر او را زجر دهند؛ قطعه‌قطعه کنند و یا مردنی طولانی برای او در نظر گرفته‌اند، از جمله خشونت‌طلبی‌های مسلمانان در این فیلم

است.

بی‌منطقی یکی دیگر از ویژگی‌های بازنمایی‌شده برای مسلمانان در این فیلم است. برایان توضیح می‌دهد که مارکو چه جنایت‌هایی کرده و زندگی صدها دختر را نابود کرده است؛ ولی پدر مارکو فقط به انتقام فکر می‌کند و منطق برایان در کشتن فرزندش را نمی‌پذیرد.

بی‌غیرتی و پایبندنبودن به اخلاقیات از دیگر ویژگی‌های ترسیم‌شده برای مسلمانان در این فیلم است. پدر مارکو به برایان می‌گوید که قصد دارد دختر برایان را بگیرد و به ارزان‌ترین فاحشه‌خانه بفروشد تا مردان بسیاری از او استفاده کنند؛ درحالی‌که این مسائل کاملاً با مبانی اسلامی در تضاد است.

خانواده‌دوستی را می‌توان از مهم‌ترین ویژگی‌های برجسته و مثبت برای مسلمانان در این فیلم دانست که این خانواده‌دوستی باعث تلاش برای انتقام می‌شود.

در جدول شماره ۲ شیوه معرفی افراد به‌عنوان یک فرد مسلمان در قالب نشانه‌شناختی در این فیلم ارائه می‌شود.

فرد یا افراد	نشانه معرفی	تفسیر
گروه تبهکار	انجام اعمال اسلامی	✓ در ابتدای این فیلم گروه تبهکار در حال خاک‌سپاری فرزندان خود به شیوه اسلامی هستند. ✓ این گروه بالای سر مردگان خود قرآن و دعای اسلامی می‌خوانند.
گروه تبهکار	پخش اذان	✓ هنگام ورود این گروه به ترکیه صدای اذان پخش می‌شود که تداعی‌کننده مسلمانان است.

جدول شماره ۲

۹- یافته‌های پژوهش

در این فیلم صفت‌های متفاوتی برای مسلمانان بازنمایی شده است که در ادامه در قالب یک جدول به تفکیک به این صفت‌ها اشاره می‌شود و درباره هر صفت به نشانه و مفهوم آن نیز اشاره می‌شود.

ویژگی	فیلم	نشانه و هرمونوتیک
تروریست	تیکن ۲	✓ در این فیلم مسلمانان به برنامه‌ریزی برای یک حرکت تروریستی و قتل برایان میلز اقدام می‌کنند و به صورت گروهی وارد عمل می‌شوند تا میلز و خانواده‌اش را به قتل برسانند.
وحشی و	تیکن ۱	✓ آدم‌ربایی یکی از ویژگی‌هایی است که بیانگر وحشی‌گری است و در این فیلم به مسلمانان نسبت داده شده است. ✓ قاچاق زنان و دختران از دیگر مصداق‌های وحشی‌گری و از ویژگی‌های افراد مسلمان در این فیلم است. ✓ مسلمانان در این فیلم رحم ندارند و به راحتی آدم می‌کشند.

<p>✓ تزریق مواد مخدر در حجم بالا به زنان و دختران و معتادکردن آن‌ها به صورت اجباری</p>		بی‌رحم
<p>✓ در این فیلم مسلمانان با چهره‌های بسیار وحشی به نمایش کشیده شده‌اند. ✓ هنگام پخش اذان صحنه‌های دل‌خراش و صداهای ناهنجار پخش می‌شود. ✓ در این فیلم مسلمانان برای رسیدن به هدف خود از هیچ خشونت‌آبایی ندارند. ✓ مسلمانان در این فیلم می‌کوشند تا یک مرد امریکایی را با زجر و در زمانی طولانی بکشند.</p>	تیکن ۲	
<p>✓ مسلمانان در این فیلم چهره‌های بسیار خشن و بدون انعطاف دارند. ✓ برخورد سخت و خشن در ارتباط‌های مختلف از سوی مسلمانان را در این صحنه‌ها شاهد هستیم.</p>	تیکن ۱	خشن
<p>✓ مسلمانان می‌خواهند برای کشتن یک نفر او را زجر دهند؛ قطعه‌قطعه کنند و یا مردنی طولانی برای او در نظر گرفته‌اند؛ این موارد از جمله خشونت‌طلبی‌های مسلمانان در این فیلم است.</p>	تیکن ۲	
<p>✓ گروه مسلمان به دزدیدن زنان و دختران اقدام می‌کند و آن‌ها را به فاحشه‌خانه‌ها می‌دهند و یا به افراد دیگر در حراجی می‌فروشند. ✓ خریدار زنان و دختران هم پیرمرد مسلمان است که به دنبال دختران جوان است.</p>	تیکن ۱	بی‌غیرت و بی‌اخلاق
<p>✓ پدر یکی از کشته‌شدگان در این فیلم به قاتل او می‌گوید که می‌خواهد دخترش را بگیرد و به ارزان‌ترین فاحشه‌خانه بفروشد تا مردان بی‌شماری به او تجاوز کنند.</p>	تیکن ۲	
<p>✓ مردم مسلمان در مقابل توجیحات منطقی مرد امریکایی به هیچ وجه قانع نمی‌شود و فقط به فکر انتقام است.</p>	تیکن ۲	بی‌منطق
<p>✓ در صحنه‌ای از این فیلم، مرد امریکایی پیرمرد مسلمان را می‌بخشد و او را نمی‌کشد؛ ولی وقتی به او پشت می‌کند، مرد مسلمان اسلحه را برمی‌دارد تا از پشت مرد امریکایی را بکشد.</p>	تیکن ۲	نامرد
<p>✓ مسلمانان در این فیلم به هیچ وجه به قانون‌اعتنایی ندارند و به راحتی آن را زیر پا می‌گذارند. ✓ مسلمانان به صورت غیرقانونی در کشور دیگری حضور یافته‌اند؛ به قاچاق زنان و دختران اقدام می‌کنند؛ به مدیریت یک فحشاخانه در یک کارگاه اقدام</p>	تیکن ۱	بی‌قانون

کرده اند؛ زنان را در خیابان اجاره می دهند؛ در خیابان زورگیری می کنند. در زمینه مواد مخدر و خرید و فروش آن فعالیت دارند و به راحتی آدم می کشند و تیراندازی می کنند.		
✓ در این فیلم مسلمانان به عنوان حلقه نهایی قاجاق زنان و دختران معرفی شده اند. ✓ تجاوز به دختران کم سن و سال از دیگر ویژگی های بازنمایی شده در این فیلم برای مسلمانان است.	تیکن ۱	شهوت ران
✓ مسلمانان در این فیلم خطرناک ترین آدم ها هستند و آدمکشی از ویژگی های بازنمایی شده برای مسلمانان در این فیلم است.	تیکن ۱	جانی
✓ در این فیلم مسلمانان برای گرفتن انتقام خون فرزندان و برادرانشان برای کشتن عامل قتل وارد عمل می شوند.	تیکن ۲	کینه توز و انتقام جو
✓ در این فیلم خانواده مسلمانان به خاطر عشق به فرزندان شان برای انتقام اقدام می کنند.	تیکن ۲	خانواده دوست

جدول شماره ۳

۱۰- نتیجه گیری

امریکا در سال های اخیر به جای تهاجم سخت، تهاجم نرم را انتخاب کرده است و یکی از ابزارهای مهم در دست امریکا، سینما بوده است؛ هالیوود به عنوان عصای دست امریکا نقشی اساسی و بی بدیل در این زمینه ایفا کرده است. یکی از ابعاد جنگ نرم امریکایی ها، تحت شعاع قرارداد اسلام و معرفی یک چهره نامناسب از اسلام و مسلمانان در اذهان مردم جهان بوده است و با ظرافت و پیچیدگی خاصی این موضوع را دنبال کرده است.

یکی از مهم ترین راه ها برای انتقال مفاهیم به ذهن مخاطبان، بازنمایی چهره و شخصیت از طریق تصاویر و فیلم هاست که سینما در این باره وظیفه و رسالت مهم و برجسته ای را بر عهده دارد. در تحلیل نشانه شناختی به این موضوع توجه می شود که در یک متن رسانه ای مانند فیلم های سینمایی چگونه معانی تولیدی می شوند. رمزگشایی در واقع دستیابی به معانی ضمنی است. هر متن دارای معانی آشکار و ضمنی است که معنای آشکار همان معنایی است که در وهله اول از کلمه، تصویر، صدا و... به ذهن متبادر می شود و معنای ضمنی، آن معنایی است که ورای معنای ظاهری وجود دارد و بیشتر به ارزش های نهفته یک امر بازمی گردد.

در نظام رسانه ای غرب، به ویژه سینمای هالیوود، همواره این پیام کلی به ذهن و ضمیر ناخودآگاه مخاطبان جهانی القا می شود که سرچشمه تمام اعمال خشن، غیرانسانی، تروریستی و اخلال در نظم جهانی و به طور کلی، هر رویداد غیرمنتظره ای که در جهان اتفاق می افتد، مسلمانان هستند.

فرضیه ما در این تحقیق این بوده است که هالیوود در سال های اخیر کو شیده است تا چهره ای غیر واقعی و با صفاتی همچون تروریست و خشونت طلب و... ارائه کند و با بررسی موردی فیلم های تیکن یک و تیکن دو به این

نتیجه می‌رسیم که صفات منفی بازنمایی شده از مسلمانان در این فیلم‌ها به مراتب بیش از صفات مثبت است. در دو فیلمی که از سینمای هالیوود بررسی شد، ویژگی‌های منفی مانند تروریست، وحشی و بی‌رحم، خشن، بی‌غیرت و بی‌اخلاق، بی‌منطق، نامرد، بی‌قانون، شهوت‌ران، جانی، کینه‌توز و انتقام‌جو در مقابل صفت خوبی چون خانواده‌دوستی برای مسلمانان بازنمایی شده است. مسئولیت‌های سنگینی در قبال این هجمه‌های غرب بر عهده سینمای داخلی است که علاوه بر معرفی چهره واقعی اسلام و مسلمانان در داخل و خارج از کشور، بتواند چهره غرب، دسیسه‌های آن‌ها و راهبردهای آن‌ها در مقابله با ایران و اسلام را معرفی کنند. افزایش سواد رسانه‌ای مردم رسالت دیگری است که بر عهده دستگاه‌های فرهنگی قرار دارد تا زمینه را برای افزایش آگاهی مردم نسبت به این اقدامات فراهم کند.

منابع

۱. آسا برگر، آرتور (۱۳۸۵)، نقد فرهنگی، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲. الهی، الهیار؛ سلطانلو، عباس؛ سلطانی، علیرضا (۱۳۹۲)، «سینمای سیاسی و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران پس از ۱۱ سپتامبر»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۰.
۳. برژینسکی، زیگینو (۱۳۸۶)، انتخاب: سلطه یا رهبری، امیرحسین نوروزی، تهران: نشر نی.
۴. بیچرانلو، عبدالله (۱۳۸۹)، «تصویرسازی و کلیشه‌سازی هالیوود از مسلمانان (بازنمایی مسلمانان در سینمای هالیوود)»، رسانه، سال بیستم، شماره ۳.
۵. جعفری‌نژاد مسعود، قائدی محمدرضا (۱۳۹۲)، «عملیات روانی هالیوود در گسترش موج اسلام‌هراسی»، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، سال دهم، شماره ۳۷.
۶. چندلر، دانیل (۱۳۸۶)، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه: مهدی پارسا، تهران: نشر سوره مهر.
۷. دفلور، ملوین و اورت ای. دنیس (۱۳۸۳)، شناخت ارتباطات جمعی، ترجمه سیروس مرادی، تهران: دانشکده صداوسیما.
۸. رامین، علی (۱۳۸۳)، فلسفه تحلیلی هنر، تهران: فرهنگستان هنر.
۹. زیباکلام، صادق؛ بیات، جلیل (۱۳۹۳)، «سینما و قدرت نرم؛ سیاست تطبیقی آمریکا و چین»، مطالعات میان‌فرهنگی، سال دهم، شماره ۲۴.
۱۰. سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: نشر علم.
۱۱. سروری مجد، محمد (۱۳۸۷)، بازنمایی ایران در سینمای هالیوود، تحلیل نشانه‌شناختی و تحلیل گفتمان هفت فیلم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشکده صداوسیما.
۱۲. شرف‌الدین، سیدحسین؛ گنجیانی، سید مهدی (۱۳۹۲)، «هالیوود و توطئه اسلام‌هراسی با شگرد نفوذ در ناخودآگاه»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره چهارم.
۱۳. عبدالهیان، حمید (۱۳۹۰)، «تحلیل تاریخی بر تکوین مفهوم پایان تاریخ در سینمای قرن ۲۱»، مشرق موعود،

- سال پنجم، شماره ۱۸.
۱۴. عبوعبداللہی، فاطمه (۱۳۹۷)، «آینده فعالیت های رسانه ای غرب در مواجهه با اسلام»، راهبرد فرهنگ، شماره ۴۰ و یکم.
۱۵. قوام، عبدالعلی؛ اسماعیلی، بشیر (۱۳۹۳)، «سیاست خارجی هالیوود و جریان بازنمایی خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دهم، شماره بیست و نهم.
۱۶. کالکر، رابرت (۱۳۸۴)، فیلم، فرم و فرهنگ، ترجمه بابک تیرابی، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
۱۷. گزارش شورای روابط اسلام و امریکا (۲۰۰۶).
۱۸. لی، مینگ جینگ (۱۳۹۰)، قدرت نرم چین، استراتژی چین در حال ظهور در سیاست بین الملل، عسگر قهرمان پور بناب، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. محمدزاده زهرا، محمدتقی کرمی (۱۳۹۵)، «بازنمایی زن دوم در سینمای ایران»، فصلنامه مطالعات رسانه های نوین، سال دوم، شماره ۶.
۲۰. مقالات همایش اسلام هراسی پس از ۱۱ سپتامبر (۱۳۹۵)، «علل روندها و راه حل»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. دوره ۷، شماره ۲۰.
۲۱. مؤذنی، حمید (۱۳۸۶)، بازنگری انتقادی، تهران: انتشارات گلدشت و شروع.
۲۲. مهدی زاده سید محمد؛ اسماعیلی معصومه (۱۳۹۱)، «نشانه شناختی تصویر زن در سینمای ابراهیم حاتمی کیا»، زن در فرهنگ و هنر، دوره چهارم، شماره یک.
۲۳. مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۳)، بازنمایی ایران در مطبوعات غرب، تحلیل انتقادی گفتمان نیویورک تایمز، گاردین، لوموند، دی ولت ۲۰۰۰ - ۱۹۹۷ م، رساله دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه علامه.
۲۴. والکر جان، چاپلین، سارا (۱۳۸۵)، فرهنگ تصویری: مبانی و مفاهیم، ترجمه و نشر: اداره کل پژوهش های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۲۵. هیل، جان و پاملا چرچ گیسون (۱۳۸۱)، سینمای امریکا و هالیوود، بیژن اشتری، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری الست فردا.
۲۶. یوسفیان شهروز (۱۳۸۵)، «مناقشه بازنمایی و خوانش های نشانه شناسی ساخت گرا»، فصلنامه فرهنگستان هنر.
۲۷. زارعی نژاد غلامحسین (۱۳۹۰)، «استعمار فرانو، مکتب اسلام»، سال ۵۱، شماره ۳.
۲۸. سوسور فردیناند، کوروش صفوی (۱۳۸۲)، دوره زبان شناسی عمومی، تهران: هرمس.
- Dayer, R. (2005). "White, in Film Theory: Critical Concept" in *Media and Cultural Studies*, 3, Routledge.
- Dunia, P. T. (2012). Mey, L. Jakob. 1993. *Pragmatics: An Introduction*. Blackwell: Oxford UK and USA Cambridge Saussure, F. de. (1974). *Course in General Linguistics*. London: Fontana. Sudaryanto. (1986). *Metode Linguistics ke Arah Memahami. Jurnal Ilmiah Edu Research Vol. 1 No, 80*.
- Gardels, N., & Medavoy, M. (2009). *American idol after Iraq: competing for hearts and minds in the global media age*. John Wiley & Sons.
- Hall, S. (1997). *The work of representation. Representation: Cultural representations and*

- signifying practices*, 2, 13-74.
- Kamalipour, Y. (2000). Media images of Arabs, Muslims, and the Middle East in the United States. *Civic Discourse and Digital Age Communications in the Middle East*, New York: Greenwood Publishing Group, 55-70.
- Kilian, M. (2008), imagining the Arab other: how Arab and non-Arabs view each other, editet by Tehran labib, I.B. Tauris
- Peirce, C. S. 1931–1935. Collected Papers of Charles Sanders Peirce, vols. 1–6. Edited by Charles Hartshorne and Paul Weiss.
- Richardson, J. E., & Poole, E. (Eds.). (2006). *Muslims and the news media*.
- Stromback, J., Adam, Sh., & Daniela, D. (2008), Framing the Mohammad Cartoons Issue: A Cultural Comparison of Swedish and US press. *Global Media Communication*.

Representation of Muslims in Hollywood cinema (Case study of Tekken 1 and Tekken 2 films)

Alireza Golshani, Mohammad Reza Ghaedi, Saeed Rezaei

Received: 2020.2.29

Accepted: 2020.4.2

Abstract

Today, in addition to entertaining people, cinema plays an essential role in creating culture and education, and sometimes this function is superior to other practical aspects of cinema. Hollywood cinema is known as the center of world cinema and plays an important role in advancing the cultural goals of the West and convincing public opinion on various issues, including political, religious, economic, etc. One of the West's uses of Hollywood cinema has been to advance the goals of Islamophobia. In this research, the films have been analyzed using the qualitative method of semiotic analysis; The authors have tried to examine some of the characteristics represented for Muslims by examining Hollywood productions. This study seeks to answer the question of how Hollywood describes the face of Muslims. The purpose of this study is to understand the approach of Hollywood cinema and consequently the United States of America towards Islam and Muslims. The findings of the study suggest that among the characteristics represented by Muslims in Hollywood films are terrorists, savages and cruel, violent, zealous and immoral, irrational, Coward, lawless, lustful, Johnny, vindictive and vindictive and... pointed out. Of course, some good qualities, such as family friendship, have also been applied to Muslims.

Keywords: representation; Muslims; Islamophobia; Semiotics; Hollywood cinema